

A Monotheistic and Spiritual Perspective on Environmental Education in the Thought of Three Contemporary Islamic Thinkers

Ali Ahmadpour  / Associate Professor, Department of Islamic Studies, University of Mohaghegh Ardabili
ali.ahmadpour@uma.ac.ir

Received: 2025/09/27 - Accepted: 2025/11/29

Abstract

Environmental degradation is among the most critical challenges of the modern era. A primary cause can be traced to humanity's estrangement and disconnect from a monotheistic worldview and the absence of a sacred relationship with nature. This research aims to elucidate the foundations and objectives of environmental education according to the thought of three contemporary Islamic thinkers: Ayatollah Abdullah Javadi Amoli, the Supreme Leader, and Seyyed Hossein Nasr. Employing a descriptive-analytical method, the study is based on content analysis of the works and statements of these thinkers. The findings indicate that all three thinkers, drawing upon religious teachings, consider environmental education to encompass individual, social, and governmental dimensions. They emphasize the institutionalization of a culture of environmental protection and the reinforcement of an ethical, spiritual, and theological perspective toward nature. The results, derived from their viewpoints, suggest that overcoming environmental crises is contingent upon reforming humanity's attitude toward nature and the environment, reviving spiritual and ethical education, recognizing humanity's status as the divine vicegerent on Earth, and establishing a connection between spirituality, sacred knowledge, religious ethics, and social responsibility toward the environment. This approach can lay the groundwork for sustainable development aligned with human perfection.

Keywords: monotheistic perspective, environmental education, Javadi Amoli, The Supreme Leader, Seyyed Hossein Nasr

نگاه توحیدی و معنوی به تربیت محیط‌زیستی در اندیشهٔ سه متفکر اسلامی معاصر

ali.ahmadpour@uma.ac.ir

علی احمدپور  دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه محقق اردبیلی

دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۰۵ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۰۸

چکیده

تخریب محیط‌زیست از مهم‌ترین چالش‌ها و مسائل عصر جدید است که از علل و ریشه‌های اصلی آن می‌توان به دوری و گسست انسان از نگرش و جهان‌بینی توحیدی و فقدان رابطه‌ای قدسی با طبیعت اشاره کرد. این پژوهش با هدف تبیین مبانی و اهداف تربیت محیط‌زیستی در اندیشهٔ سه متفکر اسلامی معاصر - آیت‌الله عبدالله جوادی آملی، مقام معظم رهبری و سیدحسین نصر - انجام شده است. روش پژوهش، توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر تحلیل محتوای آثار و بیانات اندیشمندان فوق است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هر سه اندیشمند بر اساس آموزه‌های دینی، تربیت محیط‌زیستی را شامل، ابعاد فردی، اجتماعی و حاکمیتی می‌دانند و نهادینه‌سازی فرهنگ حفاظت از محیط‌زیست و تقویت نگاه اخلاقی، معنوی و الهیاتی به طبیعت را مورد تأکید قرار می‌دهند. نتایج بر اساس دیدگاه‌های سه متفکر فوق نشان می‌دهد که راه خروج از بحران‌های محیط‌زیستی در سایهٔ اصلاح نگرش انسان نسبت به طبیعت و محیط‌زیست و احیای تربیت معنوی و اخلاقی، بازشناسی جایگاه انسان به‌عنوان خلیفهٔ الهی بر روی زمین، و نیز پیوند میان معنویت، معرفت قدسی، اخلاق دینی و مسئولیت اجتماعی در قبال محیط‌زیست امکان‌پذیر است؛ رویکردی که می‌تواند زمینه‌ساز توسعه‌ای پایدار و هماهنگ با کمال انسانی باشد.

کلیدواژه‌ها: نگرش توحیدی، تربیت محیط‌زیستی، جوادی آملی، مقام معظم رهبری، سیدحسین نصر.

مقدمه

امروزه بحران‌های زیست‌محیطی به یکی از اصلی‌ترین مسائل و دغدغه‌های بشری تبدیل شده است. آلودگی‌های فراوان، تغییرات اقلیمی، کاهش تنوع گونه‌های زنده، نابودی زیست‌بوم‌ها و... تنها نمونه‌ای از علائم این بحران جهانی محسوب می‌شود که سلامت انسان و محیط‌زیست را با خطر مواجه کرده است (داودی و وجدانی، ۱۳۹۶، ص ۶). هرچند معاهدات بین‌المللی مانند پیمان کیوتو، اعلامیه زمین (۱۹۹۲) و معاهده حفظ تنوع زیستی با هدف کنترل این بحران‌ها شکل گرفته‌اند، اما تجربه نشان داده است که راه‌حل‌های صرفاً فناورانه و حقوقی توان مهار این بحران را ندارند (Bourdeau, 2004, p. 9). ریشه اصلی این مسئله به نوع جهان‌بینی و نگرش انسان به طبیعت نهفته برمی‌گردد؛ نگرشی که طبیعت را از قداست تهی کرده و آن را تنها منبعی برای استفاده و بهره‌کشی اقتصادی تبدیل کرده است (Stone, 2006, p. 1110). به عبارت دیگر، بحران محیط‌زیست، بحرانی صرفاً فنی و اقتصادی نیست، بلکه بحرانی معرفتی، معنوی و اخلاقی است که از گسست انسان از عالم هستی و طبیعت و فقدان رابطه قدسی با خداوند متعال ناشی می‌شود (باید یاناس، ۱۳۷۶، ص ۱۶۷).

در این میان، آموزه‌های دینی، ظرفیت بالا و عمیقی برای بهبود و بازسازی این رابطه دارند؛ به این معنی که نگاه دینی با تأکید و تمرکز بر اصل توحید، حرمت ذاتی آفرینش و خلافت انسان، بنیانی معرفتی، معنوی و اخلاقی برای تعامل مسئولانه با محیط‌زیست فراهم می‌کند (این شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ص ۳۲۰؛ رحمتی، ۱۳۸۷، ص ۵-۶). در این نگرش، تربیت محیط‌زیستی فرآیندی برای پرورش انسان مسئول در برابر آفرینش الهی است. در این پژوهش، دیدگاه سه متفکر اسلامی معاصر درباره محیط‌زیست مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند که هریک از زاویه‌ای خاص به این مسئله پرداخته‌اند. آیت‌الله جوادی آملی با رویکردی قرآنی و فلسفی، طبیعت را کتاب تکوینی الهی دانسته و انسان را مسئول و مأمور به عمران و آبادانی آن می‌شمارد (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۴۱). مقام معظم رهبری نیز با نگاهی حاکمیتی و فرهنگی، حفظ محیط‌زیست را وظیفه‌ای اجتماعی و شرعی می‌داند و بر فرهنگ‌سازی و آموزش به عنوان رکن اصلی اصلاح زیست‌محیطی تأکید می‌کنند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۱۲/۱۷). سیدحسین نصر با تکیه بر سنت دینی و معرفت قدسی، بحران زیست‌محیطی را معلول و تجلی فروپاشی رابطه اخلاقی و معنوی انسان با عالم هستی و خداوند می‌داند (نصر، ۱۳۸۷، ص ۱۲).

دلیل انتخاب سه اندیشمند فوق در این پژوهش به خاطر این بوده است که دیدگاه‌های آنان نقشه راه جامع و کاملی از نگرش توحیدی و معنوی به محیط‌زیست ارائه می‌دهند: آیت‌الله جوادی آملی نماینده رویکرد قرآنی و فلسفی، مقام معظم رهبری نماینده رویکرد حکمرانی، فرهنگی و سیاست‌گذارانه، و نصر نیز نماینده رویکرد فلسفی و معرفت‌شناختی است. با توجه به این نکته، مسئله اصلی پژوهش آن است که چگونه می‌توان بر اساس

اندیشه‌های سه متفکر فوق، الگویی معنویت‌محور و توحیدی برای تربیت محیط‌زیستی در جهان امروز ارائه و عملیاتی کرد؟ با توجه به مطالب فوق سوالات ذیل مطرح می‌شود:

۱. آیت‌الله جوادی آملی چه مبانی الهیاتی و معرفتی برای حفاظت از محیط‌زیست و تربیت محیط‌زیستی ارائه می‌کند؟
 ۲. مقام معظم رهبری چه جایگاهی برای آموزش و فرهنگ‌سازی در حفظ محیط‌زیست قائل است؟
 ۳. سیدحسین نصر چه راه‌حلهایی برای احیای پیوند معنوی و توحیدی انسان و طبیعت ارائه می‌کند؟
- بنابراین وجه نوآوری این پژوهش در آن است که سه رویکرد مکمل معرفت‌شناختی، فلسفی و حاکمیتی را در تبیین تربیت محیط‌زیستی از منظر سه اندیشمند اسلامی معاصر، مورد تحلیل و مقایسه قرار می‌دهد که می‌تواند مبنای خوب و مناسبی برای سیاست‌گذاری‌های فرهنگی، تربیتی و آموزشی در حوزه محیط‌زیست اسلامی در هر جامعه‌ای باشد.

پیشینه پژوهش

با وجود پژوهش‌های گوناگونی که درباره اخلاق و تربیت زیست‌محیطی انجام شده است، اما پژوهشی که به تحلیل مستقل و نظام‌مند اندیشه‌های سه متفکر فوق به‌صورت هم‌زمان بپردازد، یافت نشد. از نمونه پژوهش‌های مرتبط انجام‌شده، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

داودی و وجدانی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «مبانی و اهداف تربیت زیست‌محیطی با تأکید بر اندیشه‌های آیت‌الله جوادی آملی»، به بررسی تربیت زیست‌محیطی در اندیشه آیت‌الله جوادی آملی پرداخته‌اند. یزدی (۱۴۰۲) در پژوهشی با موضوع «مقایسه اندیشه‌های محیط‌زیستی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران و حضرت آیت‌الله جوادی آملی»، و یزدی و مدادی (۱۴۰۰) در تحقیقی با عنوان «محیط‌زیست در اندیشه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای» به تحلیل دیدگاه‌های مقام معظم رهبری درباره محیط‌زیست پرداخته‌اند. کریم‌نژادی و علیپور (۱۴۰۰) در مقاله «الهیات زیست‌محیطی آیت‌الله جوادی آملی: بررسی تأثیر جهان‌بینی اسلامی بر محیط‌زیست»، تأثیر جهان‌بینی اسلامی بر مسئله محیط‌زیست را بررسی کرده‌اند. اسلامی (۱۳۹۱) با تمرکز بر آراء و نظرات آیت‌الله جوادی آملی، مقاله‌ای با عنوان «اسلام و اخلاق زیست‌محیطی با تأکید بر آرای آیت‌الله جوادی آملی» را به رشته تحریر درآورده است.

از پژوهش‌های دیگر در این زمینه می‌توان به توحیدنیا، جلالی و واعظی (۱۳۹۸) با موضوع «احیای واقعیت قدسی طبیعت؛ راه‌حل بحران زیست‌محیطی (نقد و بررسی دیدگاه فلسفی سیدحسین نصر)»، و شامولی، کیانمهر و کرمی (۱۳۹۵) با عنوان «الگوواره توحیدمحور؛ الگویی متعالی برای تبیین فقر و بحران‌های محیط‌زیست» اشاره کرد. با این اوصاف، تا به حال، پژوهشی که به‌طور مستقل و نظام‌مند، مبانی و اهداف تربیت زیست‌محیطی سه متفکر فوق را یکجا بررسی کند، یافت نشد که این پژوهش رسالت پر کردن این خلأ و ارائه چارچوب جامع و نظام‌مند بر اساس این سه دیدگاه است.

روش پژوهش

این پژوهش از نوع کیفی و نظری و با رویکرد توصیفی - تحلیلی انجام شده است. گردآوری داده‌ها به شیوه مطالعه کتابخانه‌ای انجام شده است و با استفاده از بیانات، آثار مکتوب، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های آیت‌الله جوادی آملی، مقام معظم رهبری و سیدحسین نصر انجام شده است؛ به این صورت که، ابتدا منابع مرتبط با موضوع پژوهش و بیانات این اندیشمندان گردآوری و دسته‌بندی شد؛ سپس مضامین مهم و کلیدی مرتبط با تربیت محیط‌زیستی استخراج و بررسی و تحلیل روی آنها انجام شد؛ همچنین طبق تحلیل داده‌ها، وجوه اشتراک و تمایز دیدگاه‌های سه اندیشمند مشخص شد.

یافته‌های پژوهش

۱. مبانی توحیدی و اهداف تربیت زیست‌محیطی در اندیشه آیت‌الله جوادی آملی

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که در آموزه‌های دینی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و با حیات انسانی ارتباط دارد، مسئله محیط‌زیست است؛ به‌طوری‌که رعایت اصول زیست‌محیطی و مراقبت از محیط‌زیست و دستیابی به محیطی سالم، از وظایف انسانی و دینی انسان است. این مسئله، بازتابی از مسئولیت دینی و اخلاقی هر انسانی نسبت به جهان اطراف خود است. آیت‌الله جوادی آملی هم به این نکته اشاره کرده و معتقد است: «تخریب آن (محیط‌زیست) در اثر نشاختن حقوق بشر یا انجام ندادن وظایف بشری است» (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۱۹). با توجه به این مطلب، سؤال اول پژوهش این است که آیت‌الله جوادی آملی چه مبانی الهیاتی و معرفتی برای حفاظت از محیط‌زیست و تربیت محیط‌زیستی ارائه می‌کند؟ در این بخش سعی بر این است که با توجه بر آثار اخلاقی و تفسیری ایشان، ابعاد گوناگون این سؤال مورد واکاوی و تحلیل واقع شود.

۱-۱. نظام هستی و جایگاه انسان

آیت‌الله جوادی آملی با تکیه بر مبانی دینی و قرآنی، نظام هستی را دارای ساختاری هدفمند و هماهنگ می‌داند که همه اجزای آن با حکمت الهی در تعامل و ارتباط هستند. وی در این زمینه می‌نویسد:

زیبایی جهان آفرینش در نظام‌مند بودن آن است؛ به‌طوری‌که هر مخلوقی با هماهنگی اجزای درونی و با هدف معین و راه و راهنمای مشخص آفریده شد. از این‌رو هم نظام فاعلی آن منسجم و عالمانه و هم نظام غایی آن مرتبط و حکیمانه است و هم نظام داخلی آن هماهنگ و خردمندانه تعبیه شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۲۲).

بنابراین از نگاه وی، هر مخلوقی در نظام هستی از جایگاه و غایتی ویژه برخوردار هستند و هیچ چیزی از آفرینش و عالم هستی بی‌حکمت و بی‌هدف خلق نشده است؛ همان‌طور که آیه «رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى»

(طه: ۵۰) به روشنی به این حقیقت اشاره کرده است و بیانگر این است که پروردگار ما ساختار هر مخلوق را برابر استعداد، استحقاق، ظرفیت و هدفمندی او تأمین کرد. بر اساس این جهان‌بینی، مالکیت حقیقی جهان مخصوص خداوند است و انسان تنها خلیفه و امانت‌دار او بر روی زمین محسوب می‌شود؛ در نتیجه، هر تصرفی در طبیعت بدون اذن خداوند متعال، نوعی ظلم و تجاوز به حدود الهی است (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۱-۱۷۲). این اصل، مبنای تربیت و اخلاق زیست‌محیطی در اندیشه آیت‌الله جوادی آملی است و به انسان متذکر می‌شود که بهره‌برداری و انتفاع از منابع طبیعی و محیط‌زیست باید در چارچوب اعتدال، عدالت و رعایت قوانین الهی صورت پذیرد.

۱-۲. جایگاه خلافت انسان و مسئولیت محیط‌زیستی

در اندیشه آیت‌الله جوادی آملی، مفهوم خلیفه الهی بودن انسان حاکی از جایگاه ویژه و مسئولیت‌محور انسان در نظام هستی است. مفهوم خلافت به معنای نمایندگی خداوند بر روی زمین است؛ مقامی که بیانگر امانت‌داری و مسئولیت اخلاقی او در برابر جهان هستی است. بر اساس این جهان‌بینی، انسان مأمور است تا با استفاده از اختیار، عقل و علم خویش، در مسیر تحقق حفظ تعادل، عدالت و شکوفایی نظام طبیعت تلاش و گام بردارد. وی در این زمینه می‌نویسد:

خدای سبحان خالق انسان است و او را جانشین خویش قرار داده است. برای آنکه بستر مناسبی برای زندگی بشر فراهم شود، خدای سبحان مواد خام را به‌عنوان سفره طبیعت خلق کرد و به انسان، هوش، استعداد، فن‌آوری و خلاقیت داد تا به‌عنوان مهمان، سر سفره مواد خام طبیعت و محیط‌زیست بنشیند و از این مواد، به بهترین وجه بهره‌مند شود. عقل را از درون و وحی را از بیرون برای راهنمایی بشر قرار داده تا وی، هم از وجود این مواد خام آگاه شود و هم به چگونگی استفاده کردن از آن رهنمون گردد تا زمین را آباد و محیط‌زیست را سامان بخشد (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۲۷-۲۸).

در قرآن کریم با آیه شریفه «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰) به این جهان‌بینی اشاره شده که بیانگر واگذاری رسالتی مهم از طرف خداوند متعال به انسان است؛ رسالتی که مستلزم شناخت، آبادانی و حفظ آگاهانه محیط‌زیست است. از منظر آیت‌الله جوادی آملی، خداوند ابزار تحقق این مسئولیت مانند حس، عقل، علم و شهود را در وجود انسان قرار داده است تا بتواند جهان را به‌درستی بشناسد و در چارچوب قوانین الهی از آن استفاده کند. از دیدگاه قرآن کریم، منابع طبیعی در عالم هستی نیز در خدمت این مأموریت انسان قرار گرفته‌اند: «وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (لقمان: ۲۰). مفهوم این «تسخیر» سلطه‌جویی بشر نیست، بلکه حاکی از امکان تصرف و استفاده عاقلانه و اخلاق‌مدارانه و بهره‌آحسن از طبیعت و در جهت تحقق اهداف خلافت الهی انجام می‌گیرد (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۶).

برداشت آیت‌الله جوادی آملی از خلافت انسان، اولاً به این معنی است که انسان به‌عنوان امین و حافظ نظام طبیعت است و باید تصمیم‌هایش را بر پایه معرفت، عدالت زیست‌محیطی و اخلاق تنظیم کند؛ ثانیاً خلافت انسان در زمین حق نامحدود نیست، بلکه مسئولیتی سنگین است که نیازمند بینشی عمیق دینی و اخلاقی است. بر این اساس، تربیت محیط‌زیستی در دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی بر تربیت انسان خلیفه‌محور استوار است؛ انسانی که رابطه خود با طبیعت را مالکانه و سلطه‌جویانه نمی‌داند، بلکه به آن از منظر عبودیت و مسئولیت نگاه می‌کند. چنین بینش و نگاهی، تربیت زیست‌محیطی را به بخشی از تربیت توحیدی مبدل می‌کند؛ زیرا شناخت و حفاظت از محیط‌زیست، مقدمه و زمینه‌ای برای پاسداری از امانت الهی و تقرب به خداست.

۳-۱. تربیت محیط‌زیستی بر پایه کرامت انسانی

از منظر آیت‌الله جوادی آملی، تربیت محیط‌زیستی زمانی معنا پیدا می‌کند که بر اصل کرامت ذاتی انسان استوار باشد؛ کرامتی که ریشه در توانایی انسان برای معرفت خداوند و پذیرش مسئولیت خلافت الهی دارد. با توجه به آیه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء: ۷۰)، انسان دارای شرافت و کرامت الهی است، و آیه «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» (بقره: ۳۱) نیز حاکی از ظرفیت انسان در درک اسما و صفات الهی است. این دو خصوصیت مهم، منشأ کرامت انسان هستند و به او رسالتی الهی در حراست و پاسداری از آفرینش می‌بخشند (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۲۴ و ۲۷).

بنابراین از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی تربیت محیط‌زیستی در چارچوب کرامت انسان، تربیتی است که اخلاق، ایمان و آگاهی را در پیوند با طبیعت پرورش می‌دهد. انسان دارای کرامت الهی نمی‌تواند نسبت به تخریب محیط‌زیست بی‌تفاوت باشد؛ زیرا چنین رفتاری، بی‌احترامی به مقام انسانیت و نقض عهد خلافت الهی است. آیت‌الله جوادی آملی تخریب طبیعت، قطع بی‌رویه درختان و آلودگی آب‌وهوا را مصادیقی از سقوط از مرتبه کرامت و خروج انسان از مسیر عبودیت می‌داند. در این دیدگاه، فرهنگ محیط‌زیستی اسلامی بر اساس جایگاه خلافت انسانی و کرامت انسان او شکل می‌گیرد؛ یعنی عمران زمین و حفظ تعادل طبیعی، از جلوه‌های عبودیت و تعهد الهی است که آسیب به آن، خیانتی به کرامت انسانی تلقی می‌شود؛ زیرا انسان دارای کرامت نمی‌تواند نسبت به امانت الهی بی‌تفاوت و بی‌مسئولیت باشد. بنابراین در اندیشه آیت‌الله جوادی آملی حفاظت از محیط‌زیست، جلوه‌ای از بندگی و تحقق کرامت الهی در عرصه عمل است.

۴-۱. تخریب محیط‌زیست به مثابه خیانت به امانت الهی

از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی، تخریب محیط‌زیست، خیانت به امانت الهی و خروج از مسیر عبودیت محسوب می‌شود. وی، منابع طبیعی بر روی زمین را، امانت‌هایی الهی می‌داند که برای آبادانی و رشد به انسان داده شده‌اند و هرگونه استفاده نادرست یا تخریب بی‌ضابطه، نوعی تجاوز به حدود الهی محسوب می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۶،

ص ۲۳). در این تلقی، مفهوم خیانت به امانت الهی و استفاده نابجا و افراطی از محیط‌زیست نه تنها به حیات انسان، بلکه به تعادل کل آفرینش آسیب وارد می‌کند. آیت‌الله جوادی آملی این نوع رفتار انسان را مصداق فساد در نظام هستی می‌داند؛ فسادى که در قرآن کریم نسبت به آن هشدار داده شده است. وی در این زمینه می‌نویسد:

گروهی در اثر اغوای شیطان که با ارائه کزراه‌ها و اغرا و تمویه و تسفیه، بشر فریب‌خورده را وادار به عصیان می‌کنند، به بهانه حفظ صنعت، سنت زیبای خلقت را به بدعت تبدیل و نظام با شکوه آفرینش را به هرج و مرج، آلاینش و آلودگی دگرگون می‌نمایند (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۲۲).

آیت‌الله جوادی آملی به پیام قرآن کریم درباره ناسپاسان زیست‌محیطی و فاقدان فرهنگ صیانت محیط‌زیست، اشاره می‌کند و آن این آیه شریفه است: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» (روم: ۴۱). این آیه بیانگر آن است که فساد زیست‌محیطی نتیجه مستقیم عملکرد نادرست انسان‌ها و نشانه غفلت آنان از هدایت و قوانین الهی است. قرآن مجید در آیهای دیگر، از تحریف و تغییر نابجای ساختار طبیعی خلقت به عنوان رفتاری مذموم نام برده است و می‌فرماید: «فَلْيَعِزَّنْ خَلْقَ اللَّهِ» (نساء: ۱۱۹). آیت‌الله جوادی آملی این انداز قرآنی را ناظر بر هر نوع دخالت غیرمشروع در نظام طبیعی می‌داند؛ دخالتی که باعث تخریب نظم حکیمانه آفرینش می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۲۲). از این رو حفظ محیط‌زیست، یک وظیفه اخلاقی و دینی است که جوهره اصلی آن امانت‌داری و عدالت است؛ چون انسانی که خلیفه خداوند متعال بر روی زمین محسوب می‌شود، باید با رعایت اصول اخلاقی، عقلانی و الهی، حافظ امانت الهی در طبیعت باشد. تخریب محیط‌زیست، خروج از سنت‌های الهی و نقض واضح عهد خلافت الهی است که نظم و تعادل آفرینش را برهم می‌زند. از بُعد تربیتی، این اندیشه حاکی از آن است که تربیت محیط‌زیستی باید بر بیدار ساختن وجدان اخلاقی و ایمانی انسان استوار باشد و به انسان یادآور می‌شود که حفاظت و حراست از زمین و محیط‌زیست، بخشی از عبادت و مسئولیت الهی او محسوب می‌شود. در این چارچوب، آگاهی علمی و انتفاع از محیط‌زیست باید با معرفت توحیدی و احساس امانت‌داری نسبت به عالم هستی عجین شود تا رفتارهای مثبت پایدار و اخلاق‌محور در جامعه شکل گیرد.

۵-۱. اصول زیست‌محیطی در آموزه‌های اخلاقی و فقهی اسلام

از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی، حفظ و مراقبت از محیط‌زیست بر پایه اصول اخلاقی و فقهی دین مبین اسلام استوار است؛ اصولی که ریشه در قرآن و سنت دارند و چارچوبی جامع و کامل برای تنظیم رفتار و اخلاق انسان با محیط‌زیست را فراهم می‌آورند و محیط‌زیست را تنها به عنوان یک مسئله مادی تلقی نمی‌کنند، بلکه به مثابه عرصه‌ای معنوی و الهی محسوب می‌کنند. یکی از اساسی‌ترین این اصول، اصل طهارت است که از ارکان دین شمرده شده است. طهارت و پاکیزگی محیط‌زیست نیز جلوه‌ای از آن به شمار می‌آید. قرآن کریم در این زمینه

می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ» (بقره: ۲۲۲)، و پیامبر اکرم ﷺ نیز می‌فرماید: «خداوند پاک است و پاکیزگی را دوست دارد» (پاینده، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۹۲). با توجه به این مطلب، پاکیزگی محیط زندگی انسان و محیط‌زیست، بخشی از ایمان و طهارت معنوی انسان محسوب می‌شود و بی‌توجهی به آن، نوعی غفلت از مسئولیت دینی و اخلاقی تلقی می‌گردد.

اصل مهم دیگر، حفظ فضای سبز و منابع طبیعی است که در آموزه‌های دینی به‌عنوان مصداق عمل صالح و صدقه جاریه از آن یاد شده است. پیامبر اکرم ﷺ در این زمینه می‌فرماید: «مَنْ غَرَسَ غَرْسًا فَأَكَلَ مِنْهُ إِنْسَانٌ أَوْ دَابَّةٌ، كَانَ لَهُ صَدَقَةٌ» (پاینده، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۵۶۳). روایات دیگری نیز از تخریب محیط‌زیست و قطع بی‌رویه درختان نهی کرده‌اند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۹، ص ۳۹). این روایات نشان می‌دهد که آبادانی زمین و حفظ و حراست از آن و گسترش فضای سبز نه تنها یک وظیفه اجتماعی است، بلکه عملی عبادی و صدقه جاریه محسوب می‌شود که آثار معنوی آن در زندگی دنیوی و اخروی انسان باقی می‌ماند. علاوه بر این اصول، اسلام بر حفظ عناصر حیاتی زمین نیز تأکید می‌کند؛ از جمله در روایتی امام صادق ﷺ به سه عنصر اساسی «هوای پاک، آب فراوان و زمین حاصلخیز» اشاره می‌کند و آن را از ضروریات زندگی پایدار و سالم دانسته‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۲۳۴). این آموزه‌ها اولاً، بیانگر درک عمیق اسلام از ارتباط متقابل انسان و محیط‌زیست است؛ چراکه حیات انسان بدون سلامت محیط‌زیست به مشکل می‌خورد و هرگونه تخریب یا آلودگی، نقض مستقیم حق حیات محسوب می‌شود؛ ثانیاً، اصل عدالت زیست‌محیطی در فقه و اخلاق اسلامی از جایگاهی ویژه برخوردار است؛ بدین معنا که عدالت نه تنها در روابط انسانی باید رعایت شود، بلکه رعایت آن در بهره‌برداری از منابع طبیعی نیز از اهمیت زیادی برخوردار است. هرگونه بهره‌برداری ناعادلانه از منابع طبیعی و اسراف، مخالف اصول الهی و موجب فساد در زمین است. آیت‌الله جوادی آملی با اشاره بر این اصل، تخریب محیط‌زیست را خروج از عدالت الهی و نوعی ظلم می‌داند؛ چون تعادل نظام آفرینش بر پایه عدالت استوار است.

با توجه به مطالب فوق، نگاه آیت‌الله جوادی آملی به حفظ محیط‌زیست فراتر از ابعاد مادی و این‌جهانی است. وی با توجه به آموزه‌های دینی، این امر را عملی اخلاقی، معنوی و صدقه جاریه می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۲۶۶-۲۷۵). روایات نیز طبیعت را جلوه‌ای از جمال الهی معرفی کرده‌اند؛ مانند روایت «ثَلَاثٌ يَجْلِينَ الْبَصَرَ: النَّظَرُ إِلَى الْخُضْرَةِ وَالْمَاءِ الْجَارِي، وَالْوَجْهِ الْحَسَنِ» (پاینده، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲۹۲). از این رو حفظ محیط‌زیست در منطق دینی نوعی عبادت محسوب می‌شود که غفلت از آن، بی‌توجهی به جلوه‌های آفرینش خداوند به حساب می‌آید. این اصول اخلاقی و فقهی، بنیانی استوار برای شکل‌گیری فرهنگ زیست‌محیطی اسلامی فراهم می‌آورند و می‌توانند راهنمایی تأثیرگذار برای تربیت انسان مسئول در قبال محیط‌زیست باشند.

۱-۶. مسئولیت فردی، اجتماعی و حکومتی در حفظ محیط زیست

از دیدگاه آیت الله جوادی آملی، حفاظت از محیط زیست تنها یک وظیفه فردی محسوب نمی شود، بلکه مسئولیتی چندبُعدی است که شامل ابعاد فردی، جمعی و حکومتی می شود. وی با استناد به مبانی قرآنی، مراقبت از همه عناصر و عوامل طبیعی را از مصادیق رعایت مسئولیت الهی می داند؛ زیرا تخریب محیط زیست به معنای خروج از این مسئولیت الهی و نوعی تضاد با کرامت و خلافت انسان است (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۴۳). در نگاه وی، تربیت زیست محیطی باید باعث ارتقای تقویت حس مسئولیت پذیری و بینش معنوی انسان نسبت به نظام آفرینش شود. چنین تربیتی انسان را به حفظ محیط زیست که جلوه ای از صدقه جاریه است، رهنمون می سازد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در این زمینه می فرماید: «مَنْ غَرَسَ غَرْسًا فَأَكَلَ مِنْهُ إِنْسَانٌ أَوْ دَابَّةٌ كَانَ لَهُ صَدَقَةٌ» (پاینده، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۵۶۳). این روایت نشان می دهد که فعالیت های زیست محیطی، تنها کنشی اجتماعی و دنیوی نیستند، بلکه دارای ارزش معنوی و اخروی نیز هستند.

در بُعد اجتماعی، مسئولیت حفظ محیط زیست، یک وظیفه اجتماعی محسوب می شود. جامعه دینی باید طوری تربیت شود که همکاری و هماهنگی در عمران و آبادانی زمین، جلوگیری از آلودگی و استفاده مسئولانه از منابع طبیعی را به عنوان بخشی از معنویت و اخلاق اسلامی تلقی کند. چنین نگرشی با مفهوم عدالت زیست محیطی سازگار است که در آن، استفاده از منابع باید به گونه ای باشد که حقوق دیگر انسان ها و نسل های آینده محفوظ بماند. در بُعد حکومتی، آیت الله جوادی آملی نقش دولت و حکومت اسلامی را در این زمینه مهم و اساسی می داند. به اعتقاد ایشان، حکومت باید بر اساس عقلانیت، عدالت و اخلاق، برنامه ها و سیاست هایی تدوین کند که توسعه پایدار و سلامت زیست محیطی جامعه را تأمین و تضمین نماید. هرکس سمتی را در دولت اسلامی به عهده بگیرد و مسئول بخشی از بخش های حکومت دینی گردد، موظف است هر آنچه را که برای حفظ حیات، سلامت، حیثیت اجتماعی و مانند آن، نسبت به خود به کار می برد، برای توده مردم نیز تأمین کند. اگر خود از بهداشت و محیط سالم برخوردار است، موظف است آن را برای تمام شهروندان فراهم نماید (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۴۳). این دیدگاه با فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام هماهنگ و همخوان است که می فرماید: «وَلْيَكُنْ نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَبْلَغَ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِحْلَالِ الْخَرَاجِ»؛ توجه تو به آبادانی زمین باید بیش از اهتمامت به جمع آوری مالیات باشد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۳، ص ۶۰۶). بنابراین از دیدگاه آیت الله جوادی آملی، حفاظت از محیط زیست هم مسئولیت فردی و هم وظیفه و تکلیفی اجتماعی و حکومتی است. کوتاهی و قصور در انجام این وظیفه، نقض امانت داری الهی و بی توجهی به عدالت اجتماعی محسوب می شود. تحقق فرهنگ زیست محیطی بر اساس آموزه های دینی زمانی امکان پذیر خواهد بود که میان فرد، جامعه و حکومت هماهنگی و تعامل ایجاد شود تا ساختارهای آموزشی، اخلاقی و مدیریتی هم افزا عمل کنند.

۱-۷. تربیت زیست‌محیطی؛ راهکاری برای مقابله با بحران‌های جهانی

با توجه به اینکه بحران‌های متعدد زیست‌محیطی در جهان امروز، از چالش‌ها و مشکلات بنیادین بشر امروزی محسوب می‌شوند، آیت‌الله جوادی آملی در ریشه‌یابی این بحران معتقد است که ریشه اصلی این بحران‌ها در گسست انسان از نگرش توحیدی و غفلت از پیوند معنوی با آفرینش هستی می‌باشد. از دیدگاه ایشان، راه خروج از این وضعیت در بازگشت به مبانی توحیدی و اخلاقی و اصلاح جهان‌بینی انسان به محیط‌زیست است. به همین جهت، تربیت زیست‌محیطی باید به بازشناسی جایگاه انسان در نظام هستی و تبیین مسئولیت اجتماعی و اخلاقی او بپردازد تا رفتارهایی پایدار و هماهنگ با سنت الهی به وجود بیاید. تکیه گاه این تربیت، انسان‌شناسی توحیدی و کرامت انسانی است که حفظ نظم آفرینش را جلوه‌ای از اطاعت الهی می‌داند. آموزه‌های فقهی و اخلاقی مانند صدقه جاریه، اصل طهارت، عدالت و مسئولیت اجتماعی، پایه‌های این تربیت را شکل می‌دهند و پیوندی محکم میان ایمان و رفتار زیست‌محیطی برقرار می‌سازند. از منظر آیت‌الله جوادی آملی، حکومت اسلامی نیز باید بر پایه عقلانیت و عدالت، سیاست‌هایی برای توسعه پایدار و حفظ محیط‌زیست در جامعه تدوین و عملیاتی کند. عمل به توصیه‌های پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام درباره مسائل زیست‌محیطی مانند درخت‌کاری و پاکیزگی، نه تنها تکلیف دینی و اخلاقی، بلکه مصداق عبادت الهی و صدقه جاریه است (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۲۶۶-۲۷۵). طبق این نظریه، تربیت زیست‌محیطی دینی، راهکاری جامع و کامل برای مقابله با بحران‌های زیست‌محیطی در جهان است و آدمی را از بهره‌بردار صرف طبیعت به امانت‌دار زمین تبدیل می‌کند.

۲. مبانی توحیدی و اهداف تربیت زیست‌محیطی در منظومه فکری مقام معظم رهبری

سؤال دوم پژوهش این بود که: «در منظومه فکری مقام معظم رهبری چه جایگاهی در آموزه‌های دینی برای آموزش و فرهنگ‌سازی محیط‌زیستی در جامعه وجود دارد؟». در پاسخ می‌توان گفت که ایشان با استناد بر مبانی دینی، آموزش و فرهنگ‌سازی زیست‌محیطی را از ارکان مهم تربیت دینی و اجتماعی می‌داند و بر نقش انسان در حفظ تعادل آفرینش تأکید می‌کند. با توجه به این مطلب، به دیدگاه مقام معظم رهبری در این زمینه می‌پردازیم.

۲-۱. مبانی معرفتی و الهیاتی حفاظت از محیط‌زیست

در آموزه‌های دینی، طبیعت بخشی از آفرینش الهی و نشانه‌ای از آیات خداوند محسوب می‌شود. قرآن کریم با توجه بر مفهوم استخلاف و استعمار، انسان را مکلف به استفاده صحیح، عاقلانه و مسئولانه از طبیعت می‌کند. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید: «اسلام انسان را از طبیعت جدا نکرده، به انسان توصیه کرده که هم به طبیعت برسد و هم از طبیعت استفاده کند» (مقام معظم رهبری، ۱۴۰۲/۱۲/۱۵). وی با استناد به آیه «وَأَسْتَعْمِرْكُمْ فِيهَا» (هود: ۶۱) بر آبادی زمین و طبیعت اشاره می‌کند. همچنین استفاده متعادل انسان و بهرمندی از مواهب طبیعی را مورد تأکید قرار می‌دهد:

«كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ» (انعام: ۱۴۱). مقام معظم رهبری با تکیه بر مبانی قرآنی، محیط‌زیست را عرصه‌ای سرشار از معنا و معرفت الهی تلقی کرده و پیوند میان انسان و طبیعت را رابطه‌ای وجودی و اخلاقی می‌داند و بر لزوم حفظ این ارتباط در پرتو مسئولیت الهی انسان تأکید می‌کند. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «در اسلام، بر ارتباط با طبیعت تکیه شده است؛ یعنی اسلام انسان را از طبیعت جدا نکرده، به انسان توصیه کرده که هم به طبیعت برسد و هم از طبیعت استفاده کند» (مقام معظم رهبری، ۱۴۰۲/۱۲/۱۵). تفسیر ایشان از بیت سعدی - «برگ درختان سبز در نظر هوشیار، هر ورقش دفتر است معرفت کردگار» - نیز بر پیوند میان آفرینش طبیعی و معرفت توحیدی اشاره دارد. از دیدگاه مقام معظم رهبری، تأمل و تفکر در جلوه‌های طبیعت می‌تواند زمینه و بستر معرفت دینی را فراهم آورد، و این نگرش باید در فرهنگ عمومی جامعه نهادینه شود. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: «نگاه ما به درخت و گیاه و سبزه و محیط‌زیست، یک نگاه معرفتی و معنوی است، نگاه معرفت دینی است، برای همین هم هست که در شرع مقدس اسلام غرس کردن درخت و نشان دادن نهال یکی از حسنات محسوب شده است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۹/۱۲/۱۵).

نتایج و یافته‌های پژوهش مدادی و یزدی (۱۴۰۰) - که بر تحلیل و تبیین محتوای ۵۷ سخنرانی مقام معظم رهبری در فاصله سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۹۹ می‌پردازد - نشان می‌دهد مؤلفه‌ها و عناصری مانند «درخت و درخت‌کاری» ۲۰۵ مورد، «مرتع و تخریب مراتع» ۱۴۴ مورد، «محیط‌زیست» ۱۳۶ مورد و «آب» ۱۳۲ مورد، از پرتکرارترین کلیدواژه‌ها در بیانات مقام معظم رهبری بوده‌اند. این بسامد زبانی، اهمیت و جایگاه ویژه محیط‌زیست در نظام فکری ایشان را به وضوح نشان می‌دهد (مدادی و یزدی، ۱۴۰۰، ص ۱۳).

۲-۲. مسئولیت انسان در قبال طبیعت

از دیدگاه مقام معظم رهبری، مسئولیت انسان نسبت به محیط‌زیست، وظیفه اخلاقی، الهی و تکلیف دینی است. ایشان در این زمینه می‌فرمایند:

قضیه محیط‌زیست، خیلی قضیه مهمی است. خلاصه اهمیت این قضیه عبارت است از: مسئولیت انسان در قبال طبیعت. باید احساس مسئولیت کند؛ همچنان که در قبال انسان‌ها احساس مسئولیت می‌کنیم، در قبال طبیعت هم باید احساس مسئولیت کنیم. اسلام و ادیان الهی خواسته‌اند تعادل میان انسان و طبیعت را حفظ کنند. این، آن هدف اساسی و اصلی است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۱۲/۱۷).

بر اساس نظر ایشان، علت خیلی از آسیب‌های زیست‌محیطی و بحران‌ها در غلبه روحیه خودمحوری، منفعت‌طلبی و اعراض انسان معاصر از تکالیف و تعهدات الهی است. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرمایند:

عدم حفظ این تعادل ناشی از عواملی است که عمده‌اش خودخواهی‌های انسان است، قدرت‌طلبی است، قلدری و گردن کلفتی بعضی از ما انسان‌هاست. وقتی این اتفاق نیفتاد - یعنی این تعادل حفظ نشد - آن وقت بحران محیط‌زیست پیش می‌آید؛ بحران محیط‌زیست به همه بشر و به همه نسل‌ها آن وقت ضرر می‌زند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۱۲/۱۷).

بنابراین تخریب محیط‌زیست مصداقی از کفران نعمت خداوند و خیانت به امانت الهی تلقی می‌شود (مدادی و یزدی، ۱۴۰۰، ص ۴۰). بنابراین مسئولیت انسان فقط محدود به خود یا هم‌نوعانش نیست، بلکه شامل همه عناصر طبیعی از جمله محیط‌زیست نیز می‌شود؛ به خاطر اینکه در دیدگاه اسلامی، طبیعت موضوعی دارای حق و شأن الهی است که حفظ و حراست از آن بخشی از ایمان و بندگی انسان محسوب می‌شود.

۳-۲. تهدیدهای ناشی از تخریب محیط‌زیست

از دیدگاه مقام معظم رهبری، تخریب محیط‌زیست و منابع طبیعی تهدیدی چندبُعدی برای امنیت ملی و ثبات زیست‌محیطی جهانی و... محسوب می‌شود. ایشان با نگاهی کلان، تخریب طبیعت را خطری برای آینده تمدن انسانی می‌دانند و در این زمینه می‌فرمایند:

متأسفانه در جامعه هستند کسانی که محیط‌زیست را قربانی منافع شخصی خودشان می‌کنند، فدای سودطلبی و منفعت‌طلبی خودشان می‌کنند. هستند از این کسانی که این‌جوری‌اند، طبیعت را تخریب می‌کنند، جنگل و کوه را نابود می‌کنند، مراتع را پایمال می‌کنند، سفره‌های زیرزمینی و آب را به یغما می‌برند. اینها همه واقعاً بالای بزرگی است که تخریب محیط‌زیست است و همه باید مقابل آن بایستند؛ چه مسئولین و چه آحاد مردم (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۹/۱۲/۱۵).

مقام معظم رهبری با استناد و تکیه بر مبانی فقهی اسلام، به حرمت شکار بی‌ضابطه و ضرورت احترام به حیات وحش تأکید می‌کند و حفظ تنوع زیستی را بخشی از مسئولیت دینی و الهی انسان می‌داند: «مسئله شکار غیرقانونی را باید جدی گرفت. در شرع مقدس اسلام، شکار فقط در صورتی که کسی برای تغذیه نیاز به شکار داشته باشد مجاز است؛ در غیر این مورد، اصلاً شکار مجاز نیست» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۱۲/۱۵).

همچنین از دیدگاه وی، تهدیدها و بحران‌هایی چون آلودگی هوا و آب، افزایش گازهای گلخانه‌ای و... نه تنها خسارات زیست‌محیطی به دنبال دارند، بلکه پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و انسانی نیز دارند. به همین علت ایشان با دوراندیشی و آینده‌نگری، نسبت به نقض حق نسل‌های آینده درباره طبیعت و استفاده از آن هشدار داده و می‌فرمایند: «مسئله گازهای گلخانه‌ای چیزی نیست که به یک کشور و به یک عده از مردم صدمه بزند؛ نه، مال همه بشریت است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۱۲/۱۷). «تخریب محیط‌زیست، از آن چیزهایی است که ضربه‌اش را یک ملت، یک منطقه جغرافیایی، گاهی همه دنیا در وقتی احساس می‌کنند که دیگر قابل جبران نیست» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۰۱/۰۹).

۴-۲. الزامات حاکمیتی و نهادی

از منظر مقام معظم رهبری، حفظ و مراقبت از محیط‌زیست تنها وظیفه اخلاقی و فردی نیست، بلکه مسئله‌ای ساختاری و اجرایی است که در چارچوب سیاست‌گذاری کلان و وظایف حکمرانی کشور تعریف می‌شود. ایشان

در این زمینه معتقد است: «حفظ محیط‌زیست و رعایت محیط‌زیست، یک وظیفه حاکمیتی است؛ البته مردم هم نقش دارند؛ مردم می‌توانند نقش‌های خوبی ایفا کنند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۱۲/۱۷).
از این‌رو مقام معظم رهبری علاوه بر تأکید بر لزوم مشارکت مردمی در حفظ محیط‌زیست، به مجموعه‌ای از اقدامات اجرایی و راهبردی برای ارتقای عملکرد زیست‌محیطی نهادهای اجرایی و دولتی اشاره کرده‌اند که برخی از آنها عبارت‌اند از:

- تهیه سند ملی برای مسائل محیط‌زیست؛

- پیوست محیط‌زیستی برای همه برنامه‌های سازندگی؛

- جرم‌انگاری تخریب محیط‌زیست؛

- پالایش و بازنگری قوانین موجود، تقویت نظارت‌های بی‌اغماض و فرهنگ‌سازی (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۱۲/۱۷)
توجه راهبردی، اهتمام و کلان‌نگری مقام معظم رهبری به مسئله محیط‌زیست، سبب شده است تا این موضوع جایگاه مهمی در اسناد بالادستی نظام پیدا کند؛ از جمله اینکه در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، دستیابی به محیط‌زیستی سالم و پایدار و مطلوب از اهداف اساسی و اصلی توسعه معرفی شده است. همچنین مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۴ با استناد به بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی، سیاست‌های کلی محیط‌زیست را در ۱۵ بند ابلاغ کردند که این سیاست‌ها با رویکردی نظام‌مند و آینده‌نگرانه، چارچوبی ملی و هدفمند برای مدیریت بحران‌های زیست‌محیطی فراهم کرده‌اند. از مهم‌ترین محورهای سیاست‌های کلی عبارت‌اند از:

- ایجاد نظام یکپارچه ملی محیط‌زیست؛

- مدیریت تغییرات اقلیم و مقابله با تهدیدات زیست‌محیطی؛

- تدوین اطلس زیست‌بوم کشور و حفاظت، احیا، بهسازی و توسعه منابع طبیعی تجدیدپذیر؛

- جرم‌انگاری تخریب محیط‌زیست (به شکل قانونی و ساختاری)؛

- توسعه مناسبات و جلب مشارکت و همکاری‌های هدفمند و تأثیرگذار دوجانبه، چندجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی در زمینه محیط‌زیست؛

- گسترش سطح آگاهی، دانش و بینش زیست‌محیطی جامعه؛

- تدوین منشور اخلاق محیط‌زیست و ترویج و نهادینه‌سازی فرهنگ و اخلاق زیست‌محیطی مبتنی بر ارزش‌ها و الگوهای سازنده ایرانی - اسلامی (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۰۸/۲۶).

ابلاغ سیاست‌های کلی فوق، در شرایطی اتفاق افتاد که کشور با چالش‌های فزاینده زیست‌محیطی مانند آلودگی هوا، کم‌آبی و تخریب سرزمینی مواجه بود. از این بعد، این اقدام علاوه بر اینکه تحولی در عرصه سیاست‌گذاری

عمومی تلقی می‌شود، نقطه عطفی در حکمرانی محیط‌زیستی کشور برای صیانت از سرمایه‌های طبیعی ملی محسوب می‌شود (مدادی و یزدی، ۱۴۰۰، ص ۱۱-۱۲).

۲-۵. آموزش و فرهنگ‌سازی زیست‌محیطی

یکی از مهم‌ترین ارکان گفتمان مقام معظم رهبری در بحث زیست‌محیطی، فرهنگ‌سازی و آموزش از سنین پایه است. به همین جهت، وی تربیت زیست‌محیطی را زمینه‌ای برای تربیت نسلی آگاه و متعهد و مسئول به حفظ طبیعت می‌داند و در این زمینه می‌فرماید:

فرهنگ‌سازی و اهمیت حفظ محیط‌زیست را از دبستان باید شروع کنیم، در کتاب‌های درسی. باید بچه‌های ما اهمیت مرتع و جنگل و هوا و آب و خاک و دریا و مانند اینها را از کودکی بفهمند و روی آن حساس باشند. حفظ حریم محیط‌زیست باید جزئی از فرهنگ عمومی بشود (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۱۲/۱۷).

در منظومه فکری مقام معظم رهبری علاوه بر نظام آموزشی، رسانه‌های جمعی نیز از جایگاهی مهمی در ترویج و تبلیغ فرهنگ زیست‌محیطی برخوردار هستند؛ از این رو رسانه‌ها باید نقش آموزشی و فرهنگ‌سازی را در این زمینه ایفا کنند. وی در این باره می‌فرماید: «نقش رسانه ملی را هم (درباره فرهنگ‌سازی محیط‌زیست) نباید نادیده گرفت، بایستی حتماً رسانه ملی نقش ایفا کند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۰۷/۱۴).

از دیدگاه ایشان، تحقق عدالت زیست‌محیطی زمانی تحقق پیدا می‌کند که میان نظام حقوقی و اجرایی کارآمد و آگاهی‌بخشی فرهنگی پیوندی محکم و وثیق برقرار شود؛ یعنی ارتقای بینش و نگرش عمومی نسبت به محیط‌زیست باید با تقویت سازوکارهای نظارتی و اجرایی و قانونی، همراه و قرین شود تا به تغییر و تحول پایدار در اخلاق و رفتارهای فردی و اجتماعی منجر شود.

بنابراین نظام فکری مقام معظم رهبری درباره محیط‌زیست، بیانگر نگرش و نگاهی نظام‌مند، جامع و تمدن‌ساز است؛ نگاهی که بر مبانی دینی استوار است و مسئولیت سه‌گانه انسان، جامعه و حکومت در قبال طبیعت را دارای پیوندی تنگاتنگ با اهداف دینی، بازخوانی و تبیین می‌کند. از این منظر، تربیت و فرهنگ‌سازی زیست‌محیطی راهبردی تمدنی برای تحقق عدالت فراگیر و توسعه پایدار در چارچوب الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت محسوب می‌شود.

۳. مبانی توحیدی و اهداف تربیت زیست‌محیطی در اندیشه سیدحسین نصر

سؤال سوم پژوهش این بود که: «سیدحسین نصر چه راهکارهایی برای احیای پیوند معنوی انسان و طبیعت ارائه می‌کند؟». در پاسخ می‌توان گفت که وی، ریشه بحران زیست‌محیطی معاصر را در گسست انسان از ساحت قدسی هستی و انحطاط معنوی او می‌داند و معتقد است بحران محیط‌زیست بازتاب از خودبیگانگی انسان مدرن از حقیقت متعالی خویش است؛ پیش از آنکه جنگل‌ها نابود گردند و رودها خشک شوند، روح انسان از معنا تهی

شده است (نصر، ۱۳۸۴، ص ۲۲). از دیدگاه نصر انسان معاصر با کنار زدن و دوری از جهان بینی توحیدی که طبیعت را مظهر اسما و صفات الهی می‌داند، طبیعت را ابزاری برای بهره‌کشی و سلطه می‌بیند (نصر، ۱۳۷۸، ص ۹؛ ۱۳۹۴، ص ۱). منشأ این نگرش، تحولات فکری غرب پس از رنسانس است که سبب افول نگاه قدسی به عالم هستی از جمله طبیعت و غلبه رویکرد مکانیکی و کمی شده است. در این جهان بینی به طبیعت به عنوان آیه‌ای از آیات الهی نگریسته نمی‌شود، بلکه آن به ماده‌ای بی‌جان و فاقد معنا فروکاسته شده است.

این نگرش و جهان بینی نه تنها موجب تخریب محیط زیست، بلکه به بحران معنوی انسان متجدد نیز منجر شده است، و راه برون رفت از این مسئله، اصلاح نگرش هستی‌شناختی و احیای پیوند انسان با خداوند متعال و طبیعت است (نصر، ۱۳۸۴، ص ۲۲؛ ۱۳۹۴، ص ۳). نصر طبیعت را موجودی زنده، دارای شعور و حامل معنا می‌داند که صفات الهی در آن متجلی می‌شود. وی با استناد به آیه «فَأَيْنَمَا تُولُوْا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ» (بقره: ۱۱۵)، حضور وجه الهی در همه مظاهر هستی را مورد تأکید قرار می‌دهد (نصر، ۱۳۸۲، ص ۲۱۷)، و معتقد است تنها کسانی که از چشم دل برخوردار هستند، طبیعت را به عنوان آیه‌ای الهی درک و شهود می‌کنند. حفاظت و مراقبت از محیط زیست از دیدگاه نصر اولین وظیفه معنوی و اخلاقی است که از مقام خلیفه‌اللهی انسان نشئت می‌گیرد؛ یعنی تا زمانی که انسان از درون متحول، متذکر و اصلاح نشود، طبیعت نیز رو به نابودی خواهد رفت؛ چون که میان جان طبیعت و جان انسان رابطه تکوینی برقرار است (نصر، ۱۳۸۳، ص ۴۲؛ ۱۳۸۴، ص ۴۶۹). بر این اساس، نصر راهکارهای تربیتی و معنوی گوناگونی برای احیای پیوند معنوی انسان و طبیعت و بازگشت به نگرش قدسی ارائه می‌کند که برخی از آنها عبارت‌اند از:

۳-۱. بازشناسی مقام خلیفه‌اللهی انسان

از دیدگاه نصر، احیای مفهوم خلیفه‌اللهی انسان (بقره: ۳۰)، نقطه شروع احیای رابطه معنوی انسان با طبیعت و غلبه بر بحران‌های محیط‌زیستی است؛ مقامی که حاکی از شرافت وجودی انسان و مسئولیت و تکلیف سنگین او در قبال عالم هستی و طبیعت است. مقام خلیفه‌اللهی انسان، وظیفه و تکلیفی مضاعف بر عهده انسان می‌گذارد تا حافظ نظم، قداست و تعادل جهان طبیعی باشد. بنابراین تخریب طبیعت علاوه بر بی‌توجهی به نظام آفرینش، نوعی خیانت به مقام خلیفه‌اللهی محسوب می‌شود (نصر، ۱۳۸۷، ص ۱۸). نصر بازسازی رابطه انسان با طبیعت را در گرو بازشناسی جایگاه هستی‌شناختی انسان می‌داند؛ رابطه‌ای که باید از طریق پیوند دوباره با خداوند متعال باز یابی، بازسازی و سامان یابد (رحمتی، ۱۳۸۷، ص ۷).

۳-۲. بازگشت به تعالیم دینی و معنوی

از دیدگاه نصر راهکارهای مادی و غیردینی و سکولار برای حل بحران زیست‌محیطی جهان معاصر سطحی و ناکارآمد هستند؛ زیرا این راه‌حل‌ها از پیوند وجودی انسان با طبیعت و منبع اصیل و غایی آن، یعنی خداوند،

غفلت کرده‌اند. تنها ادیان الهی، با تکیه بر جهان‌بینی قدسی، قادر هستند رابطه‌ای مسئولانه و اخلاق‌محور میان انسان و طبیعت برقرار سازند (نصر، ۱۳۸۷، ص ۱۴).

از منظر نصر، آموزش و عمل به توصیه‌های دینی، بستر مناسب و خوبی برای شکل‌گیری احساس وظیفه معنوی و اخلاقی نسبت به محیط‌زیست فراهم می‌کند. بدون مراجعه به سنت‌های دینی، اخلاق زیست‌محیطی به شعارهای سطحی تنزل پیدا می‌کند که فاقد توان ایجاد تغییر و تحول در رفتار انسان‌ها می‌باشد (نصر، ۱۳۸۷، ص ۱۴). بنابراین بازگشت به دین و عمل به آموزه‌های دینی و الهی، یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین راه‌حل‌ها برای غلبه بر بحران‌های جهان معاصر است.

۳-۳. معرفت متافیزیکی و شناخت حقیقت مطلق

یکی از مؤلفه‌های اصلی در منظومه فکری نصر، ضرورت احیای معرفت متافیزیکی در پیوند انسان با جهان هستی است؛ یعنی تا زمانی که انسان، جهان را تنها به‌مثابه یک شیء بی‌معنا و مادی تلقی کند، قادر نخواهد بود مسئولیت اخلاقی خود در قبال آن را به‌درستی انجام دهد، اما اگر طبیعت به‌عنوان تجلی اسمای الهی و آیه‌ای از آیات خداوند متعال شناخته شود، در این صورت، هر نوع تعامل با آن، دارای بار معنوی و اخلاقی خواهد بود (نصر، ۱۳۸۷، ص ۱۰۲). بنابراین فهم و درک درست از عالم هستی در اندیشه نصر، مستلزم معرفت قدسی است؛ معرفتی که از رابطه انسان با حقیقت مطلق نشئت می‌گیرد و از رهگذر سنت‌های دینی امکان‌پذیر است (مولوی، ۱۳۷۹، ص ۳۱). از این‌رو نصر تأکید می‌کند که احیای زیست‌بوم‌های طبیعی، تنها زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که انسان از ساحت متافیزیکی و متعالی طبیعت آگاهی کافی داشته باشد.

۳-۴. تبیین اخلاق دینی مبتنی بر جهان‌بینی قدسی

از دیدگاه نصر هر تلاشی برای تدوین و تبیین نظام معنوی و اخلاقی در حوزه محیط‌زیست، اگر بدون پشتوانه دینی و جهان‌بینی قدسی باشد، به نظامی ناپایدار و کم‌اثر منجر خواهد شد. وی در این زمینه می‌گوید: «هر تمدنی، برای برقراری رابطه‌ای مسئولانه و متعادل میان انسان و طبیعت، باید بنیان‌های اخلاقی‌اش را بر بینشی الهی و معنوی استوار سازد» (نصر، ۱۳۸۴، ص ۳۵۶). نصر از آموزه‌هایی مانند قناعت، زهد، تواضع، رعایت حقوق موجودات، مسئولیت‌پذیری و احترام به نظام آفرینش را، از مؤلفه‌های زیربنایی اخلاق زیست‌محیطی دینی نام می‌برد. وی از پیروان ادیان دعوت می‌کند تا با احیا و بازشناسی عناصر معنوی دینی خود، در تبیین و گسترش اخلاق جهانی برای حفاظت از محیط‌زیست مشارکت فعال داشته باشند (رضوی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۴).

۳-۵. نگرش قدسی به طبیعت به‌عنوان آیت الهی

از دیدگاه نصر یکی از عوامل اساسی فروپاشی رابطه انسان و طبیعت در دنیای مدرن، از بین رفتن نگاه قدسی

به عالم هستی است. این بینش قدسی سبب شده است که طبیعت از مرتبه آیت الهی بودن تنزل پیدا کند و به منبعی مادی و ابزاری برای ارضای نیازهای بشر مبدل شود. اما در جهان بینی دینی، طبیعت فقط برای بهره‌کشی نیست، بلکه هر جزء آن آیتی از حضور خداوند و تجلی اسما و صفات الهی محسوب می‌شود (نصر، ۱۳۸۷، ص ۱۴۰). قبول این جهان بینی الهی و قدسی، رابطه انسان با طبیعت را از حالت منفعت‌محورانه و استثمارگرانه به رابطه‌ای مسئولانه و اخلاقی تبدیل می‌کند. بنابراین نصر، تربیت انسان برای تعامل متعهدانه با محیط زیست را، صرفاً در سایه بازگشت به معنویت دینی و احیای این نگاه قدسی امکان‌پذیر می‌داند.

۳-۶. نقد جهان‌بینی علمی غرب و ضرورت بازسازی معنوی

نصر در راستای اهمیت مسئله محیط‌زیست، نقدی اساسی به جهان‌بینی و علم مدرن غربی وارد می‌کند. وی علم مدرن که در خدمت منافع مادی و تسخیر طبیعت است را تقلیل‌گرا، ابزاری و فاقد معنا می‌داند که با زودن قداست از طبیعت، آن را به ماده‌ای بی‌روح تبدیل کرده است. در مقابل، آموزه‌های دینی طبیعت را دارای غایت، نظم، معنا و ارزش ذاتی می‌داند. راهکار پیشنهادی نصر برای خروج تمدن غرب از بحران محیط‌زیستی، احیای الهیات طبیعت و بازسازی نگاه قدسی به جهان هستی و طبیعت است. در این میان، مسلمانان می‌توانند از علم و فناوری غربی بدون پذیرش مطلق و محض، استفاده کرده و با توجه به اعتقادات و سنت‌های حکمی و الهیاتی خود، تفسیر متمایز و متفاوتی از طبیعت ارائه دهند (Nasr, 2017, p. 236). بنابراین بازسازی معنوی و اخلاقی از دیدگاه نصر، تنها راه‌حل اساسی برای تعامل پایدار، مسئولانه و اخلاقی با طبیعت است.

بررسی و مقایسه تطبیقی

بررسی مقایسه‌ای اندیشه‌های آیت‌الله جوادی آملی، مقام معظم رهبری و نصر در مسئله محیط‌زیست حاکی از این است که هر سه متفکر، با وجود تفاوت‌هایی اندک در تبیین اهمیت محیط‌زیست، با نگرشی توحیدی و قدسی به مسئله محیط‌زیست نگاه می‌کنند و آن را از مسئولیت‌های الهی انسان در نظام آفرینش می‌دانند. از دیدگاه آنان، طبیعت آیه‌ای از آیات خداوند متعال و مظهر تجلی اسما و صفات الهی است؛ از این رو حفظ و حراست از آن وظیفه دینی، اجتماعی، اخلاقی و تمدنی به حساب می‌آید و انسان به عنوان خلیفه‌الله، مأمور به حفظ محیط‌زیست است و فساد در آن، نوعی خروج از مسیر عبودیت الهی تلقی می‌شود. حال، به تمایز دیدگاه‌های سه اندیشمند فوق درباره محیط‌زیست می‌پردازیم.

آیت‌الله جوادی آملی با رویکردی قرآنی و معرفتی، ریشه بحران زیست‌محیطی را در غفلت انسان از مقام بندگی و خلیفه‌اللهی و شکاف میان معرفت و عمل می‌داند. وی، طبیعت را مظهر حکمت الهی و عرصه آزمون عمل و اخلاق انسان در مواجهه با آن است. تربیت زیست‌محیطی از نظر وی باید از درون آدمی آغاز شود و بر عقلانیت

دینی، تهذیب نفس و درک معنوی از آیات الهی در طبیعت استوار باشد. بنابراین اصلاح محیط بیرونی و پیرامونی انسان در سایه تهذیب نفس و اصلاح درون و بازسازی رابطه معرفتی و معنوی انسان با خداوند امکان‌پذیر است. همچنین آیت‌الله جوادی آملی علاوه بر مسئولیت فردی انسان در قبال محیط‌زیست، مسئولیت اجتماعی او را در جامعه و نقش مسئولان اجرایی جامعه را در این زمینه مورد تأکید قرار می‌دهند.

دیدگاه و آرای مقام معظم رهبری در بحث محیط‌زیست در عین اینکه بر مبانی توحیدی و معنوی و دینی، استوار است، اما وی مسئله محیط‌زیست را فراتر از یک وظیفه فردی می‌بیند و آن را در افق سیاست‌گذاری کلان حکمرانی و عدالت اجتماعی تبیین و تحلیل می‌کنند؛ به این معنی که حفاظت از محیط‌زیست، وظیفه‌ای حاکمیتی و ملی و در عین حال مردمی است که نیازمند فرهنگ‌سازی فراگیر و قانون‌گذاری می‌باشد. وی در سیاست‌های کلی که ابلاغ کرده‌اند تأکید خاصی بر جرم‌انگاری تخریب منابع طبیعی، پیوست‌های زیست‌محیطی طرح‌های توسعه، تدوین اسناد ملی محیط‌زیست و آموزش عمومی به‌ویژه از سنین پایه و دوران کودکی می‌کنند. بنابراین توسعه پایدار و عدالت زیست‌محیطی، دو رکن اصلی حکمرانی معنوی و دینی در مسئله محیط‌زیست از دیدگاه مقام معظم رهبری محسوب می‌شوند.

در نهایت، نصر هم بحران زیست‌محیطی را نشانه گسست و انقطاع رابطه انسان از مبدأ قدسی و افول معنویت و اخلاق در تمدن مدرن می‌داند. به اعتقاد وی انسان مدرن با دوری از جهان‌بینی توحیدی، از قداست طبیعت کاسته و آن را به دید یک شیء بی‌جان و قابل بهره‌کشی می‌نگرد. راهکار نصر برای حل این مسئله، بازگشت انسان به معرفت قدسی، احیای نگرش و بینش دینی نسبت به عالم هستی و طبیعت و بازسازی پیوند متافیزیکی میان طبیعت، انسان و خداوند است. از دیدگاه وی، تا زمانی که تمدن بشری از بُعد فکری و معنوی اصلاح نشود، اصلاح از بُعد فناورانه یا سیاسی بشر نمی‌تواند بر بحران محیط‌زیست غلبه و آن را درمان کند.

با مقایسه سه دیدگاه فوق، می‌توان گفت که هر سه اندیشمند با اشتراک در مبانی توحیدی و معنوی، در ارائه راهبردها با هم تفاوت دارند: آیت‌الله جوادی آملی بر تهذیب نفس، اصلاح درونی و تربیت معنوی و معرفتی انسان تأکید می‌کنند؛ مقام معظم رهبری نیز علاوه بر تأکید بر وظیفه فردی انسان در قبال محیط‌زیست، بر اصلاح اساسی ساختارها و سیاست‌گذاری عدالت‌محور اهمیت خاصی قائل هستند؛ نصر هم قائل بر احیای بازسازی متافیزیکی جهان‌بینی انسان مدرن و بازگشت به معنویت دینی است. با توجه به سه رویکرد فوق، الگویی چندلایه و عملی برای بازسازی رابطه انسان با طبیعت در چارچوب اندیشه اسلامی شکل می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

بررسی و تحلیل دیدگاه‌های آیت‌الله جوادی آملی، مقام معظم رهبری و سیدحسین نصر نشان می‌دهد که مسئله حفاظت و مراقبت از محیط‌زیست در چارچوب آموزه‌های دینی و قرآنی دارای سطوحی است و تنها به بُعد مادی

و فیزیکی طبیعت محدود نمی‌شود، بلکه دارای ابعاد انسان‌شناختی، الهیاتی، اخلاق و تمدنی است. هر سه متفکر طرح و تصویری جامع از رابطه انسان و محیط‌زیست ارائه کرده‌اند که مهم‌ترین آن اصلاح نگرش انسان است که شرط اصلی و لازم برای حفاظت از محیط‌زیست می‌باشد. در بُعد الهیاتی و دینی، طبیعت جلوه‌ای از آیات و اسمای الهی است که انسان حافظ و امانت‌دار آن است. بر همین مبنا، آیت‌الله جوادی آملی طبیعت را کتاب تکوینی الهی می‌داند که نیازمند تفکر و تدبیر است؛ مقام معظم رهبری نیز شناخت طبیعت را بخشی از معرفت دینی می‌دانند؛ نصر هم بحران محیط‌زیستی را ناشی از بحران معنوی انسان مدرن تلقی می‌کند و راه‌حل آن را بازگشت به نگاه قدسی می‌داند. در بُعد انسان‌شناختی، هر سه اندیشمند انسان را خلیفه خداوند بر روی زمین می‌دانند؛ آیت‌الله جوادی آملی خلافت حقیقی و واقعی را در حفظ تعادل و آبادانی طبیعت می‌داند؛ مقام معظم رهبری آن را مسئولیتی فردی و اجتماعی برای نسل‌های آینده و نصر نیز انسان را جزئی هماهنگ از نظام هستی می‌داند که باید از سلطه‌گری و تخریب محیط‌زیست خودداری کند. در بُعد اخلاقی، آیت‌الله جوادی آملی حفاظت و مراقبت از محیط‌زیست را با آموزه‌هایی مانند صدقه جاریه مرتبط می‌داند؛ مقام معظم رهبری تخریب محیط‌زیست را خیانت به سرمایه‌های الهی و ملی تلقی می‌کند؛ و نصر نیز آن را در پیوند با معرفت توحیدی و حضور قدسی آدمی در جهان هستی تبیین و تشریح می‌کند. در بُعد اجرایی و کلان، مقام معظم رهبری بر تدوین و اجرای سیاست‌های کلان، فرهنگ‌سازی زیست‌محیطی، نظارت از طریق آموزش و رسانه‌ها تأکید می‌کنند؛ آیت‌الله جوادی آملی نیز نقش رسانه‌ها و آموزش‌های دینی را در سبک زندگی و رعایت حقوق زیست‌محیطی پررنگ می‌بیند؛ نصر هم معتقد است که بدون تحول معنوی و اخلاقی، هیچ سیاست یا نهاد اجتماعی نمی‌تواند رفتار انسان را در حفاظت پایدار از محیط‌زیست تضمین کند.

منابع

- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳). *تحف العقول*. قم: جامعه مدرسین.
- اسلامی، محمدتقی (۱۳۹۱). اسلام و اخلاق زیست‌محیطی با تأکید بر آرای آیت‌الله جوادی آملی. *حکمت/اسراء*، ۲(۱۲)، ۷۷-۱۱۱.
- باید یاناس (۱۳۷۶). *معنویت و قرن بیست و یکم* (ترجمه سارا سوراتی). نامه فرهنگ، ۷(۲۶)، ۱۶۷-۱۶۹.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). *نهج‌الفصاحه*. تهران: دنیای دانش.
- توحیدنیا، فرشاد، جلالی، علیرضا و واعظی، سیدحسین (۱۳۹۸). احیای واقعیت قدسی طبیعت؛ راه‌حل بحران زیست‌محیطی (نقد و بررسی دیدگاه فلسفی سیدحسین نصر). *پژوهش‌های فلسفی*، ۱۳(۲۷)، ۹۹-۱۱۶.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). *اسلام و محیط‌زیست*. قم: اسراء.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل‌الشیعه*. قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
 خامنه‌ای، سیدعلی. بیانات رهبر معظم انقلاب. بازیابی از: <https://www.khamenei.ir>.
- داودی، محمد و وجدانی، فاطمه (۱۳۹۶). مبانی و اهداف تربیت زیست‌محیطی با تأکید بر اندیشه آیت‌الله جوادی آملی. *اخلاق و حیانی*، ۵(۲)، ۲۰۳-۲۲۰.
- رحمتی، انشاءالله (۱۳۸۷). *دین، اخلاق و محیط‌زیست*. اطلاعات حکمت و معرفت، ۳(۳)، ۴-۷.
- رضوی، سیدمسعود (۱۳۹۱). *در مسیر سنت‌گرایی: سیدحسین نصر و مسائل معاصر*. تهران: علم.
- شاه‌ولی، منصور، کیانمهر، نازنین و کرمی، غلامحسین (۱۳۹۵). الگوواره توحیدمحور؛ الگوی متعالی برای تبیین فقر و بحران‌های محیط‌زیست. *اخلاق*، ۶(۲۴)، ۱۱-۳۲.
- کریم‌نژادی، سمیرا و علیپور، ابراهیم (۱۴۰۰). الهیات زیست‌محیطی آیت‌الله جوادی آملی: بررسی تأثیر جهان‌بینی اسلامی بر محیط‌زیست. *معرفت کلامی*، ۱۲(۲)، ۲۰۳-۲۲۰.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحارالأنوار*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مولوی، جلال‌الدین بن محمد (۱۳۷۹). *مثنوی معنوی*. مصحح: رینولد نیکلسن. تهران: نگاه.
- نصر، سیدحسین (۱۳۷۸). *معنویت و علم؛ هم‌گرایی یا واگرایی؟ ترجمه فروزان راسخی*. نقد نظر، ۵(۱۹ و ۲۰)، ۷۴-۸۷.
- نصر، سیدحسین (۱۳۸۲). *نیاز به علم مقدس*. ترجمه حسن میان‌داری. قم: طه.
- نصر، سیدحسین (۱۳۸۳). *آرمان‌ها و واقعیت‌های اسلام*. ترجمه شهاب‌الدین عباسی. تهران: سپهروردی.
- نصر، سیدحسین (۱۳۸۴). *دین و نظام طبیعت*. ترجمه محمدحسن فغفوری. تهران: حکمت.
- نصر، سیدحسین (۱۳۸۷). *انسان و طبیعت: بحران معنوی انسان متجدد*. ترجمه عبدالرحیم گواهی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- نصر، سیدحسین (۱۳۹۴). *قداست طبیعت*. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- یزدی، محمد (۱۴۰۲). مقایسه اندیشه‌های محیط‌زیستی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران و حضرت آیت‌الله جوادی آملی. *آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار*، ۱۱(۳)، ۱۷۵-۱۸۶.

یزدی، محمد و مدادی، محمد (۱۴۰۰). محیط‌زیست در اندیشه‌های حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران. آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار، ۱۱(۲)، ۱۸۹.

Bourdeau, P. (2004). The man-nature relationship and environmental ethics. *Journal of Environmental Radioactivity*, 72, 9-15.

Nasr, Seyyed Hossein. (2003). The problem. In R. Foltz (Ed), *Worldviews, Religion, and the Environment: A Global Anthology*. Thomason/Wadsworth.

Nasr, Seyyed Hossein. (2007). *Religion and the Environmental Crisis: Features in the Essential Seyyed Hossein Nasr*. World Wisdom, Inc.

Stone, D. (2006). Sustainable development: Convergence of public health and natural environment agendas, nationally and locally. *Public Health*, 120, 1110-1113.

